



درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبیٰ نورمفیدی

تاریخ: ۲۶ بهمن ۸۹
مصادف با: ۱۱ ربیع الاول ۱۴۳۲
جلسه: ۱۸

موضوع کلی: تدوین قرآن
موضوع جزئی: یکسان سازی قرآن

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

بحث در ادوار جمع و تدوین قرآن بود، عرض کردیم جمع اول در زمان پیامبر صورت گرفت، جمع دوم در دوره خلافت ابوبکر بود که عمده تلاش‌هایی که برای جمع قرآن در این دوره صورت گرفت به صورت فردی و جداگانه بود و تعداد مصاحف در این ایام روز به روز افزایش پیدا می‌کرد، استنساخ می‌شد و این مصحف‌ها بسته به جایگاه صاحبانش موقعیت‌های متفاوتی داشتند مثلاً چون عبدالله بن مسعود در کوفه یک مرجعیتی داشت مصحف او در کوفه رواج داشت، مصحف ابی بن کعب در مدینه، مصحف ابوموسی اشعری در بصره و مصحف مقداد بن أسود در دمشق مورد توجه بود، این اختلافاتی که بین مصاحف بود در ترتیب سور، قراءات و امور دیگر بود و شاید اگر بخواهیم در دوره دوم زمانی را برای جمع قرآن در نظر بگیریم تلاشی بود که از ناحیه خود خلیفه و اطرافیانش شکل گرفت و مربوط به سال دوازدهم هجری است. بعد از جنگ یمامه که تعدادی از حافظان قرآن شهید شدند فکر تدوین قرآن در آن زمان در دستگاه خلافت بوجود آمد و ابوبکر به زید بن ثابت دستور داد قرآن را جمع کند البته زید بن ثابت ابتدا مخالفت می‌کرد و می‌گفت: من کاری را که رسول خدا انجام نداده انجام نمی‌دهم ولی بالاخره این کار را قبول کرد.

دوره سوم:

از سال دوم و سوم خلافت عثمان یعنی سال ۲۵ هجری زمینه‌هایی برای یکسان سازی مصاحف پیش آمد که عمده درگیری‌ها و اختلافاتی بود که بین مسلمین در هر اجتماعی که شکل می‌گرفت بوجود می‌آمد یعنی در بازار، مسجد و در مکان‌های دیگر این درگیری‌ها بین مسلمین پیش می‌آمد و به یک نزاع و کشمکش غیر قابل کنترل تبدیل می‌شد، در صحیح بخاری از قول ابن شهاب از انس بن مالک نقل می‌کند که حذیفه بن یمامه بعد از بازگشت از جنگ ارمنستان و آذربایجان پیش عثمان آمد و گفت امت را دریاب قبل از اینکه مانند یهود و نصارا با هم اختلاف کنند و بعد از اینکه او نقل کرد که در جریان آن جنگ که افراد مختلفی از بلاد مختلف حضور داشتند بر سر مصاحفی که در اختیار داشتند و طبق آن قراءت می‌کردند و ترتیب را رعایت می‌کردند چگونه اختلاف‌های شدید پیش می‌آمد، عثمان کسی را نزد حفصه دختر عمر فرستاد که آن مصحفی را که پیش او بود - همان مصحفی که می‌گویند از زمان پیامبر بوده - را بگیرد و بعد به چند نفر دستور داد که از روی آن چند نسخه بنویسند که حدود پنج یا شش نسخه آماده شد و بعد آنها را به بلاد مختلف فرستاد، به هر حال یکی از زمینه‌های یکسان

سازی مصاحف همین مراجعاتی بود که به عثمان می‌شد و همچنین نیازی که در خود مردم احساس می‌شد که این اختلافات خیلی زیاد شده بود، نقل می‌کنند که یزید نخعی که در زمان ولایت ولید بن عقبه از جانب عثمان والی کوفه بود می‌گوید: داخل مسجد رفتیم و دیدیم که جمعی نشستند و شخصی از بین جمعیت با صدای بلند گفت: پیروان قراءت ابوموسی اشعری به زاویه نزدیک باب کنده بروند و پیروان عبد الله بن مسعود نزدیک خانه عبدالله بروند، این دو گروه صف خود را از همدیگر جدا کردند و در مورد آیه‌ی شریفه: «وَأْتِمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ...»^۱ داشتند بحث می‌کردند که گروهی می‌گفتند: آیه این است که: «وَأْتِمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلْبَيْتِ» و گروه دیگر می‌گفتند: آیه این است که: «وَأْتِمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ»، و هر کدام هم برای خودش دلیل و توجیهی داشت. این بحث‌ها هر روز در گوشه و کنار چه در خود مراکز اصلی سرزمین اسلامی و چه در جاهای دیگر که گروه‌های مختلف مسلمین با هم جمع می‌شدند اتفاق می‌افتاد.

عوامل یکسان سازی قرآن:

عامل اول: یکی از آن عوامل و مهمترین عامل همان اختلاف بین مسلمین بود که در همان زمان کسانی که نزدیک به عصر پیامبر بودند دیدند کتابی که بایستی مایه وحدت و راهنمای مسلمین می‌بود به مایه نزاع بین مسلمین تبدیل شده بود.

عامل دوم: تعدد قرآن‌ها و بیم از بین رفتن قرآن در اثر این تعددها در آینده بود.

عامل سوم: حفظ قرآن از تحریف و خطاها و انحرافات در مرور زمان که این اختلافات هر چه جلوتر می‌رفت باعث می‌شد که عمیق‌تر شود و جمع آوری قرآن مشکل‌تر شود.

شاید بعضی از انگیزه‌های دیگر هم در این امر دخیل بوده اما خیلی نمی‌شود آنها را برجسته کرد. در رابطه با یکسان سازی قرآن‌ها تقریباً وقتی که به یکسان سازی تصمیم گرفته شد عثمان کمیته‌ی چهار نفره‌ای را متشکل از: زید بن ثابت، سعید بن عاص، عبدالله بن زبیر و عبدالله بن حارث تشکیل داد و به این چهار نفر دستور داد که قرآن را جمع بکنند و گفت: اگر در یک موردی هم بین شما اختلاف پیدا شد آن را مطابق با لهجه قریش بنویسید چون قرآن به زبان قریش نازل شده، البته محور این جمع زید بن ثابت بود، به هر حال این کمیته که شروع به جمع آوری قرآن کرد عمدتاً این را پذیرفتند و تنها کسی که مخالفت می‌کرد عبدالله بن مسعود بود که با یکسان سازی موافق نبود. به هر حال این قرآن نوشته شد و حدود پنج یا شش نسخه آماده شد و عثمان دستور داد که به دیگر بلاد اسلامی فرستاده شود و غیر از اینها هر چه که از قرآن‌های دیگر وجود دارد سوزانده شود.

موضع اهل بیت در رابطه با مصحفی که در زمان عثمان نوشته شده:

در الاتقان سیوطی و البرهان نقل شده که امیرالمؤمنین فرمودند: عثمان هر چه در رابطه با مصاحف انجام داد در حضور ما انجام داد و اگر من هم بجای عثمان بودم درباره‌ی نسخه‌های قرآن و تهیه مصاحف رسمی همان کاری را می‌کردم که او انجام داد. موارد دیگری را هم از امیرالمؤمنین نقل می‌کنند که ایشان بر این کار صحه گذاشته و قرآنی را که به دستور عثمان جمع

^۱. بقره/۱۹۶.

آوری شده تأیید کرده‌اند، با اینکه قرآنی که در اختیار امیرالمؤمنین(ع) بود و خود حضرت تدوین کرده بود از جهات مختلف همان قرآنی بوده که مد نظر رسول گرامی اسلام بوده اما به دلائلی آن روز مورد پذیرش قرار نگرفت و امیرالمؤمنین چاره‌ای نداشتند که این قرآن را تأیید بکنند چون به همان دلیل که در مورد خلافت سکوت کردند و حفظ مصلحت و وحدت اسلامی را بر حق خودشان مقدم داشتند به همان دلیل در رابطه با جمع قرآن به دستور عثمان مخالفتی نشان ندادند و این کار را تأیید کردند چون امکان ارائه و پذیرش مصحف خودشان در جامعه نبود و عرضه آن مصحف در جامعه مجدداً موجب اختلاف می‌شد و آن وضع هم قطعاً به صلاح نبود که هر کسی در هر منطقه‌ای به نام مصحف خودش پیروان و طرفدارانی پیدا بکند و مملکت اسلامی که باید همه با هم حول کتاب واحد جمع شوند و آن را برنامه زندگی خود قرار دهند بر سر این کتاب آن هم بر سر شکل این کتاب یعنی بر سر الفاظ و قراءت این کتاب با هم اختلاف پیدا بکنند، این اختلاف‌ها و نزاع‌ها موجب می‌شد که از محتوای قرآن غافل بمانند یعنی به جای اینکه به مواظب اخلاقی، نصاب، احکام و قصص قرآن توجه پیدا بکنند و این را به عنوان برنامه زندگی خودشان قرار بدهند گرفتار حاشیه و شکل ظاهری قرآن شوند و از محتوای قرآن غافل بمانند لذا امیرالمؤمنین(ع) وقتی دیدند که زمینه عرضه مصحف خودشان وجود ندارد و ادامه آن اختلاف‌ها هم به هیچ وجه به صلاح مسلمین نیست چون سعادت مسلمین در این بود که به این قرآن عمل کنند، لذا اقدام عثمان را برای جمع آوری قرآن تأیید کردند و فرمودند: هر کسی که به این قرآن عمل بکند سعادت مند است و در چند جا هم از قول حضرت ذکر می‌کنند که اگر من هم بودم همین کار را می‌کردم و نسخه‌های متعدد را تبدیل به یک نسخه واحد رسمی می‌کردم لذا اولین گام از ناحیه اهل بیت نسبت به مصحفی که به دستور عثمان جمع آوری شد توسط امیرالمؤمنین(ع) صورت گرفت که حضرت این مصحف را تأیید کردند و این روش ادامه پیدا کرد یعنی بعد از امیرالمؤمنین(ع) ائمه معصومین(ع) هم همین موضع را داشتند و در جایی نیامده که در مورد قرآنی که توسط عثمان جمع آوری شد لسان انکار داشته باشند، البته بعضاً اشاراتی دارند که مصحف امیرالمؤمنین(ع) حاوی نکاتی بوده که در مصاحف دیگر وجود نداشته کما اینکه از خود اهل سنت نقل کردیم که گفته‌اند: اگر جن و انس هم جمع شوند نمی‌توانند آن مصحفی را که امیرالمؤمنین(ع) جمع آوری کرده جمع کنند. پس مصحفی که به دستور عثمان جمع آوری شد نسبت به مصحف علی(ع) کمبودهایی داشت ولی الفاظ، همان الفاظ بود و در این مورد هیچ تردیدی وجود ندارد یعنی امر امیرالمؤمنین(ع) و اهل بیت دائر بود بین کامل و کاملتر و برای اینکه این قرآن کامل از حیث آیات و الفاظ حفظ شود آن مصحف را تأیید کردند و چاره‌ای جز این نداشتند و همانطور که جامعه مدتی از حاکمیت علی(ع) محروم شد از مصحف حضرت هم محروم شدند.

اعراب گذاری قرآن:

آنچه در آن زمان نوشته می‌شد اعم از قرآن و غیر آن نقطه و اعراب نداشت و حتی قرآن‌هایی که آن زمان نوشته شده نام سوره‌ها در آنها درج نشده و آیات هم شماره گذاری نشده بود. آیات به صورت خالص و به ترتیب دنبال هم ذکر شده بود و شاید علت این بوده که جامعه اسلامی در آن روز محدود به یک منطقه‌ای بوده که همه عرب زبان بوده‌اند و همه هم آیات

قرآن را می‌فهمیدند زیرا برای یکدیگر نقل می‌کردند و اگر نقطه و اعراب هم نداشت یک پشتوانه‌ی سماع برای این مکتوبات داشتند ولی هر چه زمان جلوتر آمد با توجه به گسترش جامعه اسلامی و اختلاط جامعه عرب با عجم و جوامع دیگر، توجه به نظم بهتر، زیباسازی قرآن و بهسازی قرآن و اینکه سوره‌ها نام گذاری شود و آیات شماره گذاری شود و برای عبارات نقطه و اعراب بگذارند بیشتر شد و روز به روز که جامعه اسلامی گسترده‌تر می‌شد این امر ضرورت بیشتری پیدا می‌کرد چون بسیاری از مسلمین عرب زبان نبودند و همین باعث می‌شد که گاهی بعضی از آیات را بخاطر نداشتن اعراب و نقطه اشتباه و غلط بخوانند تا جائیکه نقل می‌کنند: ابو الأسود دوئلی روزی وارد مسجد شد دید قاری با صدای بلند قرآن می‌خواند و آیه شریفه: «... أَنْ اللَّهُ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ...»^۲ را اینطور می‌خواند: «... أَنْ اللَّهُ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ...» که رسول را عطف به مشرکین و اشتباه می‌خواند که ابوالأسود در همان موقع تصمیم گرفت که اعراب گذاری قرآن را شروع کند. پس از یکطرف اختلاط مسلمانان غیر عرب با جامعه عرب ضرورت اعراب گذاری قرآن را اقتضاء می‌کرد و از طرف دیگر این اختلاط، واژه‌ها و لغات جدیدی را هم در زبان عربی وارد کرده بود یعنی در خود زبان عربی هم تحولی پیدا شد لذا مجموعاً ضرورت نقطه گذاری و اعراب گذاری باعث شد که این عمل شروع شود، عمدتاً آغاز کننده نقطه گذاری و اعراب را ابوالأسود دوئلی می‌دانند که ایشان یا بنا بر نیازی که خودش احساس می‌کرد یا به درخواست دستگاه حکومت این کار را شروع کرد و شاگردان او هم این کار را دنبال کردند. عمدتاً این کار را به سه نفر نسبت می‌دهند: ابوالأسود دوئلی، یحیی بن یعمر - شیعه بوده و از ناحیه بعضی از خلفاء تحت تعقیب بوده که به خراسان رفته و در مرو اعراب گذاری و نقطه گذاری قرآن را دنبال کرده است - و نصر بن عاصم لیثی، پس عمدتاً نقطه گذاری قرآن از زمان خلافت عبدالملک در سال ۶۵ هجری شروع شده و اوج این کار هم در قرن سوم هجری بوده است یعنی در این دوره دویست ساله یک نهضتی برای اعراب و نقطه گذاری، بهسازی و زیبا سازی قرآن شروع شد.

نکته جالب توجهی که در بعضی از کتب اهل سنت ذکر شده این است که عبیدالله بن زیاد و حجاج بن یوسف ثقفی را هم از جمله کسانی می‌دانند که برای اعراب و نقطه گذاری قرآن کارهایی انجام داده‌اند. گفته‌اند: که عبیدالله بن زیاد شخصی ایرانی را مأمور کرد که در رسم الخط عثمانی الف را به کلماتی که الف ندارد اضافه کند، اینکه این دو نفر به چه انگیزه‌ای این کار را کرده‌اند معلوم نیست ولی آنچه مسلم است این است که اینها اصلاً قرآن را قبول نداشتند و اگر هم این کار را کرده‌اند به این جهت بوده که می‌دانستند اگر بخواهند در درون جامعه آن روز حکومت داشته باشند باید ظاهر اسلامی را حفظ بکنند و هیچ کاری بهتر از این نیست که یک تلاش تبلیغاتی گسترده داشته باشند که ما به قرآن اهمیت می‌دهیم اما بجای اینکه تلاش‌ها را صرف نشر حقایق و معانی و مفاهیم قرآنی بکنند صرف ظاهر قرآن می‌کردند.

نتیجه: این قرآنی که الآن در بین مردم وجود دارد همان قرآنی است که در زمان عثمان تدوین شده و مورد تأیید امیرالمؤمنین (ع) و ائمه معصومین هم قرار گرفته است.

بحث جلسه آینده: اختلاف قراءات بحشی است که در جلسه آینده به آن خواهیم پرداخت.

«والحمد لله رب العالمین»